



مروری بر ساختار و ترکیب عناصر قفقازی تروریست های تکفیری در خاورمیانه / حسین همدانی پور

اغلب گروه‌های جنگجوی قفقازی توسط سازمان اطلاعات ترکیه اداره و هدایت می‌شوند و لذا در استان‌های لاذقیه، حلب، ادلب و الرقه که با ترکیه هم مرزند فعالیت تخریبی علیه دولت و ارتش سوریه دارند.

آران نیوز- پس از ۱۷۰ سال از قیام جهادی شیخ شامل داغستانی، متأسفانه جوانان مسلمان قفقاز، مجاهدت‌های شیخ را به فراموشی سپرده و طعمه وسوسه‌ها و دسایس شیطنی محور ترکیه-عربستان و قطر شدند که سبب انحراف قطب‌نمای ایمانی، ارزشی و اخلاقی آنها شده است.

مردم قفقاز از دیرباز به شجاعت و غیوری شهرت داشته و ایرانیان به خوبی با مبارزات و مجاهدت‌های «شیخ شامل داغستانی» علیه روس‌های تزاری آشنا هستند. مجاهد شیخ شامل، مردم غیرتی و شجاع مسلمان چچن و اینگوشی را برای جهاد علیه تجاوز و تسلط روس‌های تزاری بر شهرهای ایرانی آن سوی رود ارس و اشغال منطقه قفقاز، بسیج و رهبری کرد اما متأسفانه باید گفت که پس از گذشت ۱۷۰ سال از قیام جهادی شیخ شامل، جوانان مسلمان آن سامان، اسطوره مجاهدت‌های شیخ را به فراموشی سپرده و طعمه وسوسه‌ها و دسایس شیطنی محور ترکیه-عربستان و قطر شدند که انحراف قطب‌نمای ایمانی، ارزشی و اخلاقی آنها را در پی داشته است.

عربستان سعودی و آمریکا پس از جهاد علیه ارتش سرخ در افغانستان سعی کردند این تجربه و سناریو را به داخل جمهوری‌های مسلمان فدرال روسیه منتقل و عملیاتی کنند. دلارهای نفتی عربستان سعودی و تسهیلات فنی و لجستیکی دستگاه اطلاعاتی ترکیه نقش موازی در فرماندهی و هدایت جوانان مسلمان قفقازی که از مسکو ناراضی بوده، به عهده داشتند.

در گذشته و در پی مداخله آمریکا و متحدان منطقه‌ای به امور داخلی روسیه، در منطقه چچن دو جنگ شعله‌ور شد؛ جنگ اول چچن از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ و جنگ دوم از ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲، رخ داده و زیانها و آسیب‌های زیادی برای مسکو و ملل مسلمان منطقه قفقاز به همراه داشته است. پس از گذشت ده سال از تنش‌ها و جنگ‌های چچن، آمریکایی‌ها و متحدان منطقه‌ای جوانان قفقازی را پس از شستشوی مغزی و فریب عقیدتی آنها را به عرصه جهادی به نام «سرزمین شام» هدایت کردند تا در این سرزمین علیه روسها جهاد کنند و رافضی‌های طرفدار دشمن را نابود نمایند. در طول روند نقل و انتقال جوانان مسلمان قفقازی به صحنه بحران سوریه و عراق؛ سرویس‌های اطلاعاتی ترکیه و آمریکا، دلارهای نفتی عربستان سعودی و قطر و قدرت نرم و معنوی مفتیان آل سعودی، کارکردهای مؤثر و کلیدی داشته‌اند. دستگاه اطلاعاتی ترکیه نقش مهمی در سازماندهی و بسیج جوانان قفقازی داشتند و آنکارا در این رهگذر تسهیلات متنوع لجستیکی و رفاهی در اختیار این جوانان قرار داده و آنها را بسوی عراق و سوریه گسیل نموده و در هدایت آنها در عرصه‌های جنگ و نبرد علیه دولت‌های مرکزی بغداد و دمشق، نقش کلیدی داشته است.

مزایا و خصوصیت‌های ویژه قفقازی‌ها

چچنی‌ها ستون فقرات گروه‌های جهادی قفقازی در سوریه و عراق هستند. جوانان مسلمان چچنی به دلایل فراوان از جمله فقر اقتصادی و آوارگی به سادگی و آسانی، طعمه طرح‌های سربازیگری و عضو گیری آمریکا و متحدان منطقه‌ای برای تشدید روند نظامی سوریه شدند. بر اساس گزارش‌ها و اخبار و بر پایه دیدگاه‌های آگاهان به قضایای بحران سوریه، نقش گروه‌های جهادی قفقازی در صحنه نبردها و درگیری‌ها علیه ارتش سوریه، بسیار مؤثر و قابل توجه بوده است. از جمله مزایای فردی و خصلت‌های ذاتی جنگجویان قفقازی:

۱- حرفه‌ای بودن رزمندگان قفقازی: اغلب جنگجویان قفقازی در عرصه بحران سوریه و عراق در ارتش روسیه و اوکراین و برخی از کشورهای آسیایی مرکزی، دوره‌های نظامی دیده و از مهارت‌ها و دیسیپلین‌های این ارتش‌ها تجربه‌های زیادی آموختند.

۲- انضباط نظامی: این رزمندگان برخلاف جهادی‌های عرب و آفریقایی منضبط و سازمان یافته و در نبردها و درگیری‌های سخت از فرمانده خود اطاعت تمام داشته و ساختار گروه‌های آن به آسانی قابل نفوذ نبوده و در قبال فشارهای گوناگون مقاوم و پایدار است.

۳- خشونت و اخلاق نظامی‌گری محض: جنگجوی قفقازی علاوه بر انضباط و دیسیپلین، از خصوصیات‌های خشن و اخلاق نظامی‌گری محض برخوردارند. لذا شاخه‌های القاعده در عراق و سوریه و گروه‌های تکفیری بومی در اغلب عملیات‌های سخت و پیچیده، از آنها به عنوان نیروی «خط شکن» استفاده نمودند.

۴- سرعت انتقال و جابجایی: این گروه‌ها به دلیل خصوصیت‌های نظامیگری و رزمندگی از سرعت عمل و جابجایی برای هرگونه اقدامات افندی و پدافندی برخوردار بوده و این خصلت نظامی در ایجاد پیروزی و موفقیت در نبردها و درگیری‌ها، نقش آفرین است.

جنگ سوم چچن

ورود جوانان چچنی و دیگر قفقازی‌ها به عرصه بحران سوریه، مرحله سوم جنگ چچن را رقم زد ولی اینبار نه در قفقاز بلکه در شام و در حول و حوش دمشق و شمال سوریه. به گفته پژوهشگران و آگاهان به مسائل بحران سوریه، چچنی‌ها از جمله پیشگامان جهادگران سلفی هستند که وارد «ارض جهاد شام» شده‌اند.

یکی از حقایقی که باید آشکارا فاش نمود این است که جوانان چچنی و قفقازی در قالب گروه‌های مسلح و سازمان یافته در

پایان سال 2011 وارد سوریه شده، در حالیکه هنوز بحران سوریه به درجه و فاز نظامی شدن کامل نرسیده و حتی اغلب گروه‌های جهادی سلفی بومی سوریه در آن برهه زمانی تازه به تشکیل و سازماندهی اولیه رسیده بودند. نقش لجستیکی-سازماندهی ترک‌ها و نقش مالی-معنوی و فتوایی سعودی‌ها و قطری‌ها در تسریع ورود قفقازی‌ها به عرصه بحران سوریه مشهود و ملموس بوده است.

گروه‌های مسلح بومی سوریه به دلیل کم‌تجربگی و نداشتن مهارت‌ها و ظرفیت‌های رزمندگی و سازمانی در سال‌های 2011 و 2012 نتوانسته حتی یک پیروزی نظامی برجسته به نام خود ثبت کند و اگر حضور القاعده و جنگجویان سلفی خارجی عربی و قفقازی در عرصه نبردها در سوریه نبود، بحران این کشور طولانی نمی‌شد و گسترده ویرانگری و کشتار در این سرزمین اینقدر وسیع و گسترش نمی‌یافت.

آمریکا و متحدان منطقه‌ای پس از درک اهمیت حضور جنگجویان قفقازی در عرصه عراق و سوریه، گروه‌های قفقازی و چینی و آسیای مرکزی را در قالب طرح‌ها و سناریوهای سیاسی-امنیتی خود، سازماندهی نمودند.

از جمله اهداف و اولویت‌های احتمالی واشنگتن در کاربری گروه‌های قفقازی:

1- کاربرد تحکیم بقا و حضور در منطقه: آمریکایی‌ها که در جنگ افغانستان و عراق متحمل انواع هزینه‌ها و مشکلات مالی و امنیتی شده و تحت فشار افکار عمومی و معضلات اقتصادی و مالی، مجبور به خروج از کابل و بغداد شده، اکنون با تشدید عرصه و گستره بی‌ثباتی و ناامنی در سوریه، عراق و افغانستان، دگر بار سعی به تداوم حضور و بقا در این منطقه، نموده است.

2- آمریکا و متحدان در فرآیند تشکیل و پایه‌گذاری گروه «داعش» بخوبی و بطور وسیعی از جنگجویان قفقازی استفاده نمودند. عمر الشیشانی که نقش مؤثری در شکل و سازماندهی جوانان مسلح چینی داشته و همچنین در عرصه نبردهای گروه‌های مسلح علیه ارتش سوریه حضور فعالی داشته، به عنوان فرمانده نظامی داعش درآمد و جهادگران قفقازی در اشغال استان‌های سنی عراق موصل، صلاح‌الدینی، دیالی، رمادی و بخشی از کرکوک نقش کلیدی داشتند. احیای جنگ و تنش خونین در عراق توسط داعش زمینه را برای بازگرداندن آمریکا فراهم ساخت.

3- ارتباط ارگانیک جهادگران قفقازی با گروه‌های سلفی جهادی افغانستان، پاکستان و آسیای مرکزی زمینه را برای سرایت و رشد حضور داعش در افغانستان، منطقه آسیای مرکزی و شرق چین، فراهم کرد.

4- متغیرهای تازه فوق، زمینه را برای افزایش حضور شورشیان چینی و سلفی‌های جهادی قفقازی در جمهوری‌های خودگردان مسلمان روسیه، به شدت فراهم ساخت. این وضعیت فضا سازی برای تکرار تجربه «جنگ‌های چین» و عملیاتی نمودن «آنارسیسم ویرانگر» در جمهوری‌های خودگردان روسیه و محیط پیرامون آن، مهیا و آسان می‌گرداند.

مجموعه هراس‌ها و نگرانی‌های ناشی از عملیاتی کردن سناریو سازماندهی جهاد قفقازی علیه امنیت ملی که توسط آمریکا و متحدانش در حال تدارک است، روس‌ها را به اتخاذ بسته‌ای از اقدامات خنثی‌ساز و تحرکات بازدارنده، وادار ساخته است. حضور ارتش روسیه در سوریه می‌تواند به عنوان یک اقدام پیشگیرانه علیه گروه‌های سلفی جهادی چینی و قفقازی که در عراق و سوریه فعالند باشند.

جنگجویان قفقازی که از پایان 2011 تا این لحظه در عرصه عراق و سوریه حضور نظامی دارند در قالب تشکیلات زیر می‌باشند:

ایگور بارینوف رئیس آژانس فدرالی امور قومیت‌های روسیه در ژوئن 2015 اعلام داشت که 2000 جهادگر روسی در عرصه جنگ و درگیری سوریه بر ضد دمشق و ارتش آن حضور دارد. در این راستا لاوروف وزیر خارجه روسیه و نیکلای پاتروشف رئیس شورای امنیت ملی آن کشور در ژوئیه 2015 اظهار داشتند که بیش از 5 هزار جنگجوی روسی در کنار القاعده و شاخه‌های آن در سوریه علیه دمشق می‌جنگند.

سابقه تشکیل و سازماندهی معارضة مسلح سلفی چینی به دوران حضور ارتش سرخ در افغانستان و تأسیس طالبان در این کشور باز می‌گردد. پس از از فروپاشی شوروی، برخی از نیروهای افغانی‌های عرب وابسته به جریان بن‌لادن و تشکیلات جهادی عرب آن وارد جمهوری‌های خودگردان کاباردینو بالکاریا، شده و در شعله‌ور کردن جنگ‌های اول و دوم چین نقش آفرینی نمودند. ثامر صالح السویلیم معروف به خطاب (2002-1969) از سلفی‌های جهادی سعودی و شامل باسییف (2006-1965) از سلفی‌ها چینی نقش کلیدی در تشکیل هسته‌های مسلح چینی داشته و در فرماندهی جنگجویان جوان چینی علیه ارتش روسیه در جنگ‌های چین 1 و 2 نقش اساسی داشتند. پس از سرکوب نهضت شورشیان در چین و کشته شدن «خطاب» و «باسییف» هسته‌های رزمنده چینی به فعالیت زیر زمینی و تشکیلات پیچیده و منضبط روی آوردند. با آغاز بحران سوریه و تشدید روند نظامی شدن بحران با ورود جهادگران فرامرزشا با تسهیلات و سازماندهی محور ترکیه-عربستان سعودی-قطر، هسته‌های جهادی چین و دیگر کشورهای منطقه قفقاز و آسیای مرکزی فعال شده و به سمت عرصه بحران دیگری در سوریه و عراق حرکت نمودند.

عمر قفقازی «شیشانی» که نام اصلی وی «ترخان باتیرشفیلی» متولد 1986 از اهالی دره بانکس شمال شرق گرجستان، از سال 2006 تا 2010 در ارتش گرجستان خدمت کرده و در برخی از جنگ‌های محلی شرکت داشته و در سال 2010 به اتهام اقدامات خشن ضد امنیتی بازداشت می‌شود و در زندان با برخی از جهادی‌های عرب بازداشته آشنا شده و به سمت آئین سلفی‌جهادی گرویده می‌شود. پس از آزادی از زندان به مصر و ترکیه سفر می‌کند و با گروه‌های اخوانی و سلفی مرتبط و توسط سازمان اطلاعاتی ترکیه به داخل سوریه سازماندهی و هدایت می‌شود. عمر شیشانی نقش مهمی در سازماندهی جوانان چینی و قفقازی داشته و آنها را در عرصه بحران سوریه فرماندهی کرد. حضور قفقازی‌ها در سوریه در پایان سال 2011 کاملاً سری و محتاطانه بوده ولی در نیمه 2012 تحرک عملیاتی آنها آشکار و برجسته بود.

عمر شیشانی در سوریه، چچنی‌ها را در قالب گردانی به نام «مهاجرین» سازمان‌دهی نمود و در سخت‌ترین عملیات علیه ارتش سوریه شرکت داد. گردان مهاجرین پس از مدتی و با پیوستن گروه‌هایی همچون؛ «جیش محمد» رهبری «ابوعبیده المصری» و گردان «اسود السنه» به گروه «جیش المهاجرین و الانصار» تبدیل گشت. در جریان اختلافات درونی جناح‌های مختلف گروه القاعده و جدایی شاخه «جبهه النصره» برهبری ابومحمد جولانی از گروه «دولت اسلامی عراق و سوریه - داعش» به رهبری ابوبکر بغدادی در آوریل 2013 که اعلام دولت خلافت اسلامی برهبری بغدادی و تشدید اختلاف با ایمن ظواهری رهبر القاعده را در پی داشت جهادگران چچنی و قفقازی در پیروی و بیعت، دچار اختلاف و تشتت شدند. ابوالاثیر العبسی از سلفی‌های عرب نزدیک به ابوبکر بغدادی نقش مؤثری در جذب عمر شیشانی و انشعاب جهادی‌های قفقازی داشت. عمر شیشانی با گروهی از جیش المهاجرین و الانصار به داعش پیوسته و عمر به عنوان یکی از فرماندهان این جریان گماشته شد. صلاح‌الدین شیشانی «گورگی کوشنافشیلی» از اهالی دره بانکسی و همشهری «عمرشیشانی» بقیه گروه جیش المهاجرین و الانصار، با ظرفیت 800 رزمنده را رهبری کرد و استقلال خود را حفظ نمود و سعی کرد در تنش و درگیری جبهه النصره و داعش شرکت کند. وی در این راستا به دنبال پیروی از مرجعیت اماره اسلامی قفقاز به رهبری «دوکوعمروف» (متولد 13 آوریل 1964 کشته شدن 7 سپتامبر 2013) معروف به «ابوعثمان» از اهالی منطقه شاتوی جنوب چچن است و حدود هشت بار در معرض ترور و قتل بود ولی بالاخره گروهش کشته شدن وی را در 7 سپتامبر 2013 اعلام نمودند.

جنگویان قفقازی که از پایان 2011 تا این لحظه در عرصه درگیری‌ها علیه بغداد و دمشق حضور فعال نظامی دارند در قالب تشکیلات زیر حضور دارند:

1- قفقازی‌های پیرو مرجعیت داعش و خلافت بغدادی: بخشی از گروه جیش المهاجرین و الانصار به فرماندهی عمر شیشانی (ترخان با تیرشغیلی) با بیعت به ابوبکر بغدادی وارد تشکیلات داعش شدند. بر اساس برخی آمارها حدود 10 هزار قفقازی در نیروی داعش در عراق حضور دارد و مابین 2500 تا 3000 نفر در کنار داعش در حال نبرد با ارتش سوریه هستند. اغلب جنگجویان قفقازی داعش در شهرهای «باب» (در شرق حلب) و «منیج» (در شمال شرق حلب) و «الرقه» (مرکز استان الرقه) مستقر هستند، جوانان سلفی قفقازی تشکیل دهنده نیروی ویژه داعش هستند. این نیروی ویژه با ظرفیت هزار جنگجوی قفقازی است. داعش در عملیات‌های دشوار و سخت از نیروی واکنش سریع که اغلب قفقازی هستند استفاده می‌کند. این نیرو در قالب 500 نفر از نیروهای زبده قفقازی هستند.

2- گروه‌های قفقازی پیرو القاعده با مرجعیت دکتر ایمن ظواهری: باقیمانده جیش المهاجرین و الانصار به فرماندهی صلاح‌الدین شیشانی سعی نمود که در قبال درگیری و تنش میان جبهه‌النصره و داعش بیطرف باشد ولی این رویکرد در رهبری و فرماندهی این گروه ثابت نبود و در ژوئن 2015 با بروز اختلافات، صلاح‌الدین شیشانی از فرماندهی برکنار و «ابو ابراهیم خراسانی» به عنوان امیر گروه و «عمر داغستانی» به فرماندهی نظامی گذاشته شد. این گروه در اواخر سپتامبر 2015 با ابومحمد جولانی رهبر جبهه‌النصره دست بیعت داد. ظرفیت رزمی این گروه در حدود سیصد رزمنده است و اغلب در محوطه غربی استان حلب مستقر هستند.

در 25 ژوئیه 2014 در منطقه حلب گروه‌های جهادی سلفی هوادار جبهه النصره تشکیل ائتلافی تحت نام «جبهه انصارالدین» را اعلام نمودند.

پایه و اساس این جبهه نظامی نیروهای جیش المهاجرین و الانصار بوده است.

جبهه انصارالدین از گروه‌های زیر تشکیل یافت:

1- جیش المهاجرین و الانصار که اغلب از قفقازی‌ها تشکیل یافته است.

2- گردان «الکتیبه الخضر» اغلب از سلفی‌های وهابی سعودی سازمان یافته و در تمام عملیات جنگی نقش نفرت‌انحاری را به عهده داشتند. این گروه پس از مدتی در جیش‌المهاجرین ادغام شده ولی طولی نکشید به گروه داعش پیوست.

3- حرکت فجر الشام الاسلامیه: بیشتر اعضای آن از جنگجویان سوری می‌باشد.

4- حرکت شام الاسلام: توسط زندانی سابق زندان گوانتانامو ابراهیم بن شقرون که از اهالی مراکش می‌باشد، پایه‌ریزی شده و اغلب رزمندگان آن مراکشی و از مردمان شمال آفریقا هستند. جبهه انصارالدین که در کنار جبهه النصره در استان‌های شمال سوریه حضور نظامی داشته با اختلاف میان شاخه‌های القاعده در سوریه تا حدودی متلاشی شد.

از دیگر گروه‌های قفقازی که با جبهه النصره همراهی می‌کند:

گردان سیف‌الدین شیشانی که توسط سیف‌الله الشیشانی از رهبران سابق جیش المهاجرین و الانصار تحت نام «مجاهدین قفقاز و شام» فعالیت داشته و در اواخر 2013 با گروه جبهه النصره بیعت کرده و رهبر آن سیف‌الدین شیشانی در فوریه 2014 در نبرد برای تصرف زندان حلب کشته شد. فرمانده فعلی این گروه «ابوعبیده مدنی» می‌باشد و ظرفیت رزمی آن در حدود 350 نفر است، اغلب آنها از اهالی چچن هستند.

گردان التوحید و الجهاد: این گروه به فرماندهی ابوصالح اوزبکی است و ظرفیت جنگی آن در حدود 750 نفراند، اغلب افراد این گروه تاجیکی هستند. این گروه هم اکنون در قالب ائتلاف جیش‌الفتح برهبری جبهه النصره در ادلب شمالی و شرق و حلب غربی فعالیت نظامی علیه دمشق دارد. این گروه در عملیات تصرف پایگاه هوایی «ابو الظهور» در حومه شمالی ادلب و جسرالشغور در غرب ادلب نقش مهمی داشت.

این گروه ارتباط و وابستگی عقیدتی با طالبان افغانستان و القاعده دارد.

3- جهادی‌های قفقازی پیرو مرجعیت ملی و اماره اسلامی

قفقازی: این جریان از قفقازی‌های جنگجو سعی کرده در منازعه میان شاخه‌های القاعده و دیگر گروه‌های سلفیه جهادی بیطرف باشند ولی پیرو مرجعیت‌های ملی و محلی خود باشند. از جمله گروه‌های حاضر در این جریان::

- 1- بخشی از جیش‌المهاجرین و الانصار به رهبری صلاح‌الدین شیشانی خود را وفادار به مرجعیت «اماره اسلامی قفقاز» قلمداد نموده و سعی دارند بقیه مجاهدین قفقازی را به سمت خود جذب کند.
- ظرفیت رزمی آن در حدود 400 نفر می‌باشد، این گروه تحت عنوان «اماره اسلامی قفقاز لنصره اهل الشام» فعالیت دارد. مؤسس و رهبر این گروه با نزدیکی به حزب اسلامی ترکستان سعی در جذب نیروهای آن نموده ولی ناموفق بوده است.
- 2- اجناد قفقاز: امیر آن عبدالحکیم شیشانی (34 ساله): نیروهای این گروه بیشتر در شمال استان لاذقیه مستقر هستند.
- 3- جماعت جندالشام: مسلم ابو ولید «مراد مارگ شفیلی» این گروه را رهبری می‌کند، ظرفیت آن در حدود 350 نفر و اغلب از اهالی چچن هستند. این گروه بیشتر در حال حاضر در منطقه شمال استان لاذقیه مستقر هستند.
- 4- گردان امام بخاری: به فرماندهی صلاح‌الدین اوزبکی می‌باشد و اغلب از سلفی‌های ازبک هستند.
- 5- حرکت انصار الشام: به رهبری ابوموسی شیشانی می‌باشد. این گروه نقش مهمی در جنگ تسخیر گذرگاه کسب در شمال لاذقیه داشت. نبرد کسب توسط ارتش و سازمان اطلاعات ترکیه سازماندهی و هدایت شد.
- 6- گروهان کریمه: این گروه توسط تاتارهای منطقه شبه جزیره کریمه تأسیس شده که توسط عبدالکریم کریمه‌ای فرماندهی و در قالب گروه جیش‌المهاجرین و الانصار به رهبری صلاح‌الدین شیشانی در منطقه حلب فعالیت دارد.

جمع‌بندی:

گروه‌های سلفی- جهادی قفقازی اغلب تحت لوا و رهبری دو شاخه القاعده «جبهه‌النصره» و «داعش» فعالیت داشته و اغلب در مناطق نزدیک به مرزهای ترکیه و سوریه پایگاه دارند. اغلب گروه‌های جنگجوی قفقازی توسط سازمان اطلاعات ترکیه اداره و هدایت می‌شوند و لذا در استان‌های لاذقیه، حلب، ادلب و الرقه که با ترکیه هم مرزند فعالیت تخریبی علیه دولت و ارتش سوریه دارند.